

شیعیان

بدون استثنا

همه بت پرست و

مشرک هستند

# بی‌بدادی

ماهnamه‌ی شماره‌ی ۶۸ سال سیزدهم  
کانون خردمندی ایرانیان

خواندن قرآن

به زبان فارسی

وظیفه‌ی ملی

هر ایرانی است

ای مسلمان‌ها، شما را به الله تان سوگند، دست از دشمنی با غیر مسلمان‌ها بودارید، دست از کشتن غیر مسلمان‌ها بودارید. و بدتر از همه، دست از دروغ گفتن بودارید. فرهنگ خشن دینی شما ایران را به سوی انحطاط اخلاقی و اقتصادی کشانده است و نابودی کشور را در پی دارد.

ای دین دارها، شما حق دارید دین داشته باشید، مسلمان، بھایی، مسیحی و کلیمی باشید. موش پرست و گاوپرست و خداپرست باشید. اما شما حق ندارید از دیگران توقع داشته باشید که به باورهای شما احترام بگذارند. شما حق دارید هر باوری داشته باشید و دیگران هم حق دارند باور شما را قابل احترام ندانند. این گام نخست رسیدن به آزادی، دموکراسی و حقوق بشر می‌باشد.

یوسف شریفی

دکتر م. ع. مهرآسا

## اهل ذمه (۳)

يهودیان تنها اقلیت مذهبی نبودند که در زمان شاه عباس دوم از اصفهان اخراج شدند. بلکه این فرمان برای ارمنیان اصفهان هم اجرا شد. عده‌ای به جلفا و عده‌ای هم به محله «ماربانان» نقل مکان کردند. مسلمان‌ها می‌گفتند این‌ها می‌خواره‌اند و آب را نجس می‌کنند. چون هر وقت انگور می‌نشارند و آب آن را شراب می‌کنند تفاله‌های آن را در آب می‌ریزند و آب نجس می‌شود. و همین شکایت به شاه و وزیران باعث شد ارمنی‌ها را از وسط شهر بیرون کنند. در مورد یهودیان نجس بودن خود آنها را دلیل آور دند ولی در مورد ارمنی‌ها نجس کردن آب را بهانه کردند. به یهودی‌ها نیز حکم شد تغییر دین بدهند و مسلمان شوند اما به ارمنی‌ها فقط ترک شهر دستور داده شد.

آراکل تبریزی در کتاب تاریخ خود می‌نویسد: مانده در رویه‌ی ۲

## بررسی کتابهای مشهور به آسمانی

قرآن بخش ۳۵ سوره‌ی ص! این سوره را محمد در مکه نوشته است. بله! نام این سوره تنها یک حرف است. حرف «ص» صاد و چنین آغاز می‌شود:

«ص و القرآنِ ذی الذکر. صاد، سوگند به قرآن که دارای تذکر است» این حرف صاد در پیش‌اپیش این آیه سه کلمه‌ای، چه معنا و هدفی را دنبال می‌کند؟ جز اینکه بگوئیم محمد می‌خواسته است شعر بسرايد و در شعر نیز کلمات بی‌جا و اضافه گوئی فراوان است. چنان که یکی از اشعار نیما یوشیج چنین می‌آغازد: «تق تق، مرغ حق می‌خواند...» البته نیما با آوردن تق تق می‌خواهد فرم صدای مرغ حق را بیان کند؛ اما معلوم نیست محمد حرف صاد را چرا به صورت بخشی

## دنباله‌ی بررسی آیات قرآن

است. زیرا داوود بسیار درست قضاوت کرده و به برادر زورگو گفته است کار تو در گرفتن تنها میش برادرت کاری ناحق و ظلم است؛ و این قضاوتی عادلانه بوده است. پس چرا باید به خاک بیفتند و از خدا طلب بخشن کند؟ معنای مطلب این است که داوود غلط داوری کرده و می‌بایست آن یک میش را هم به برادر ثروتمندی که ۹۹ رأس میش دارد می‌داد و دیگری را به فقر کامل گرفتار می‌کرد!!!

منظور من از بیان این سوره‌ها و آیات قرآن توجه به مفهوم و معنای قرآن است. زیرا محتوا در بیشتر موارد به اندازه‌ای مسخره و دور از خرد و منطق است که آدمی حیرت می‌کند مسلمانان عرب زبان به چه چیز این مهملات دل بسته‌اند. پاسخی که من در این مورد دارم این است که اعراب وجود محمد را که شماری بالای یک میلیارد نفر پیرو برایش رقم می‌زنند، افتخاری برای خود می‌شناشند و به‌این فرد می‌نازند و او را از مفاخر قوم خود می‌دانند. در نتیجه از روی این همه مهمل گوئی و بی‌ربط سخن گفتن به‌آسانی می‌گذرند و به‌این لفاظی‌های مغلوط و درهم برهم اهمیت نمی‌دهند زیرا او را قهرمان ملی اعراب تصور می‌کنند...

نگاهی می‌اندازیم به آیات ۳۰ تا ۳۷ از روی ترجمه آیت‌الله‌الهی قمشه‌ای:

«و به داوود، فرزندش سلیمان را عطا کردیم. او بسیار نیکو بندی‌ای بود؛ زیرا زیاد به درگاه خدا رجوع می‌کرد. یادکن وقتی را که به او اسبهای بسیار تُندرو و نیکو را هنگام عصر ارائه دادند و در آن حال گفت که من از علاقه و حُب اسبهای نیکو از ذکر و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رُخ بنهفت... آن گاه خطاب کرد آفتاب را به‌من باز گردانید و شروع کرد به‌دست کشیدن بر ساق و پال و گردن اسبها... و ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم و کالبدی بر تخت وی افکندهیم لذا متذکر شد و به درگاه خدا توبه و اناهه کرد....»

به قول عوام؛ شما خدا وکیلی چیزی از این مهملات دریافتید و منظور نویسنده را فهمیدید؟ برای همین نارسانی هاست که الهی قمشه‌ای مجبور شده است در هر آیه در داخل پرانتز از خود تاویلی بتراشد تا بلکه برای این مفسطه و مهملات مفهومی بیابد!!

چنین کتابی و با چنین محتوائی سُست و بی‌معنی، باید و باید که معجزه معرفی شود تا جلو زخم زبان طاعنان را بگیرند.

**اگر خدایی بود، از وقوع زلزله در روستاها  
حتیاً جلوگیری می‌کرد و این مردم سالم و  
بی‌آلایش و محروم را قتل عام و بی‌خانمان  
نمی‌کرد.**

از آیه نوشته و نام سوره را با همین حرف مزین کرده است؟ اما به این مهم توجه فرمائید که الله به قرآن سوگند یاد می‌کند؛ و این نخست خلاف نظرهایی است که می‌گویند مصحف قرآن در زمان عثمان جمع‌آوری و تنظیم شده است. دوم این سوگند نشان می‌دهد قرآن مکی کتابی است شبیه به قرآن کنونی اما با حجم و قطر کمتر و تنها شامل سوره‌های مکی است؛ و مصحفی است با نام معین قرآن که محمد از زبان الله به‌آن قسم یاد می‌کند. همچنان که در سوره پیشین به صفتگان قسم می‌خورد. پس به‌همان ترتیب که صفت وجود دارد و چیزی قابل رویت است که مورد سوگند قرار می‌گیرد، قرآن نیز وجود داشته و حضرت از طرف الله مکه به‌آن قسم می‌خورد.

آنچه مسخره به‌نظر می‌آید و قابل تأمل است این است که الله چرا باید به قرآن و یا به هر چیز دیگری سوگند یاد کند. قسم خوردن نشان شک و تردید در کلام؛ و حتا دروغ بودن مدعای است. گوینده برای آنکه سخن‌ش را به‌مخاطبیش بقولاند و ذهن مخاطب را از تردید درآورد، برایش سوگند یاد می‌کند. راستگوئی نیاز به سوگند ندارد!

آیه دوم از این جالب‌تر است زیرا می‌گوید: «بل الذين كفروا في عزّت و شفّاقٍ» یعنی: بل (که) کسانی که کافرند در عزّت و مخالفتند بدیهی است چنین موضوعی سوگند لازم ندارد و همه می‌دانند مخالفان محمد در آن هنگام همه در عزت بودند و نه در ذلت! و همین موضوع است که محمد را عذاب می‌دهد!

اکنون فارسی چند آیه از این سوره را از قرآن فارسی آقای بختیاری نژاد که مسلمانی مؤمن و نسبت به آخوندها ضمیری روشن‌تر دارد می‌نویسم و از شما می‌خواهم به‌مفهوم و موضوع خوب دقت فرمائید. از آیه ۲۱ تا ۲۵:

«آیا خبر کسانی که با هم اختلاف داشتند آن موقعی که از دیوار محراب بالا رفتد، به تورسید؟ وقتی بر داوود وارد شدند و داوود از آنها ترسید؛ گفتند ترس ما دو نفر هستیم که اختلاف داریم. یکی از ما به‌دیگری ظلم کرده، بین ما به حق حکم کن و حق را در نظر داشته باش و ما را به راه راست هدایت کن. این برادر من است و ۹۹ رأس میش دارد و من فقط یک میش دارم. به من می‌گوید این یک میش را هم به‌من واگذار و بده و به‌من زور گفته است... داوود گفت او به‌حاطر این که خواسته میش تو را به‌میش های خود اضافه کند به‌تو ظلم کرده؛ عده‌ی زیادی از شریکان به شریک خود ظلم می‌کنند؛ غیراز مُؤمنانی که درستکار هستند و عده‌ی این افراد هم کم است. داوود فکر کرد امتحانش کرده‌ایم؛ لذا از خداوند طلب آمرزش کرد و به خاک افتاد و توبه کرد. پس گناهانش را بخشیدیم و به خود نزدیکش ساختیم و عاقبت به خیر شد»

خواننده گرامی شما چند بار این پاراگراف را بخوانید؛ به یقین متوجه خواهید شد که علاوه بر نارسانی کلام خدا، مطلب بسیار مهم

بهایی برای اهل ذمہ درست کرده بود. اگر اهل ذمہ قرآن را خفیف کنند و احباب القتل می‌شوند - عبادتگاه در کشور اسلامی ایجاد نکنند - کتابهای دینی خود را با صدای بلند نخوانند. ناقوس در کلیسا به صدا در نیاورند - خانه‌های خود را بلندتر از خانه مسلمانان نسازند - بایدلباس متفاوت بالباس مسلمانان بپوشند که شناخته شوند. حق سوار شدن به اسب نداشتند - چهارپایی را (خر) که سوار می‌شوند باید غیراز چهارپایی باشد که مسلمانان سوار می‌شوند - هنگام سوار شدن بهاین چهارپا، باید هردوپای خود را از یک طرف چهارپا آویزان کنند! - حق بستن شمشیر و حمل سلاح ندارند - در جاده‌ها راه نروند - لقب (نام فامیل) برای فرزندان خود انتخاب نکنند. این‌ها خلاصه‌ای از ده‌ها مورد دیگر از فتواهای شیخ بهایی برای اهل ذمہ یعنی زرتشتیان - مسیحیان و یهودی‌ها می‌باشد از جمله گشتن یهودی، مسیحی و زرتشتی کفاره نداردا خونبهای مرد مسلمان ده هزار درهم وزن مسلمان پنج هزار درهم، اما خونبهای مرد یهودی کمتر از یک هزار درهم فقط هشتصد درهم وزن یهودی فقط چهارصد درهم است.

در شماره بعد فتواهای غیر انسانی آخونده‌ای، مجلسی، سبزواری و کاشانی در باره اهل ذمہ و هندی‌های ساکن ایران.

### کدام نظم را در کار خدا دیده‌اید؟

آنها که اصرار دارند تا وجود خدا را از روی نظمی که در هستی دیده می‌شود ثابت کنند (چون هیچ دلیل دیگری تا به امروز برای اثبات وجود خدا نداشته‌اند) از این شماره به نمونه بی‌نظمی‌های فاحش و مشخص هستی می‌پردازیم که حریبه دروغ مذهبیون خدا پرست را که با چنین حریبه‌ای جهان را به جنگ و اختلاف و نابودی کشانده‌اند نشان دهیم.

هر روز و هر ساعت و در تمام کشورها اتفاق می‌افتد که پدر و مادر فرزند تازه بدینیا آمده و یا خردسالی به دلایل گوناگون که بعضاً بدست خود آنها و بعضاً با تقصیر دیگران در اثر تصادفی از بین رفته و یا گرفتار زندانهای دراز مدت و ابد و یا حتی محکوم به اعدام شده‌اند. بی‌نظمی جهان هستی از این بدتر هم می‌شود که یک نوزاد تازه بدینیا آمده و یا یک کودک خردسال که شدیداً نیازمند داشتن پدر و مادر خودش می‌باشد به ناگهان در این جهان بی‌ترحم هردو حامی و عاشق و علاقمند واقعی خود را از دست بدهد، اتفاقی که این بچه کوچکترین دخالتی در آن نداشته و نباید سختی و فشار و گناه خطأ و یا اتفاقی که برای آن پدر و مادر افتاده و او هم هیچ تقصیری نداشته است به گردن نازک یک طفل ضعیف بیفتند، بی‌نظمی در کار این هستی بدتر از این هم هست؟ البته که هست آینده زندگی این کودک دگرگون شده و با ناملایماتی که در زندگی خواهد داشت خود او چه مشکلاتی برای دیگران به وجود خواهد آورد. چه بسیار دیده شده چنین فرزندانی که همه شان نمی‌توانند در دامان پدر و مادرانی مسئول و خوب پرورش بیابند خود دست به جنایت و خرابی هنجره هستی زده‌اند. بی‌نظمی جهان را در گردش شب و روز، بی‌عدالتی‌های طبیعت... پی خواهیم گرفت.

### درد اهل ذمہ (۳) مانده از رویه‌ی نخست

طبق دستور شاه عباس دوم اگر کسی شراب نزد خود داشت چه خریدار چه فروشنده او را جریمه می‌کردند، گوش و بینی او را می‌بریدند و اگر بار دوم تخلف می‌کرد خاطر را به شکنجه‌های دردآور محکوم می‌کردند، شکم او را پاره می‌کردند و یا سر او را می‌بریدند. وقتی بهارمنی‌ها گفتند شهر را ترک کنید ارمنیان به خانه‌های بزرگان یا اشرف شهر رفتند به آنها تماس کردند که به آنها اجازه داده شود در خانه‌های خود باقی بمانند اما کسی به درخواست‌های آنها توجهی نکرد، آنها مجبور شدند گروهی به جلفا، گروهی به محله گبرآباد، محل زندگی زرتشتیان رفتند. با جداسازی ارمنیان از جامعه مسلمان، آنان از آزادی بیشتری برخوردار شدند و از آزار مسلمانان خلاص شدند.

«شاردن» فرانسوی که از ایران بازدید کرده می‌نویسد، مسلمانان برای باده‌گساری و میخوارگی به خانه‌های ارمنی‌ها می‌رفتند.

مرگ شاه عباس دوم در مازندران اتفاق افتاد. او برای استراحت از اصفهان به آنجا رفته و کلیه اهل حرم را به استثناء یک همسر شرعی و چند هم خوابه در اصفهان بجا گذاشته بود. او شبی در حال مستی در خود میلی شدید به یک رقصه احساس کرد. رقصه شاه را به مقدسات سوگند داد که از وی در گذرد زیرا او به یکی از بیماری‌های زهروی مبتلاست (سفلیس یا سوزاک داشته) اما شاه بدون توجه به احوال زن با وی همبستر می‌شود. یک ماه بعد در شرمگاه (آلت تناسلی) آثار درد و تاول ظاهر شد و چون او از معالجه خود غافل شد علامت کاملاً پیشرفت به بیماری نمودار گردید. اما او نمی‌توانست جلوی خود را بگیرد و از همبستری با زنان بر خود سخت بگیرد بیماری به نوعی خوره سلطان مانند تبدیل شد و لشهای استخوان بینی وی را خورد و از بین برد و دیگر جلوی این بیماری را نمی‌شد گرفت.

هشت روز پیش از مرگش خواست که او را به خسروآباد نزدیک شهر دامغان ببرند. شبی هنگامی که به تقاضای زنانش مقداری شیرینی خورده بود، دچار درد شدیدی شد و شب را تا صبح به طرز وحشتناکی تا حد جنون رنج کشید و پزشکان معالج خود را به باد فحش و ناسزا گرفت. اما در ساعت ۴ صبح که برابر بود با بیست و ششم اکتبر ۱۶۶۶ درگذشت. این شاه صفوی در هنگام مرگ فقط ۳۶ سال داشت.

برای حکم نجس بودن یهودیان و اخراج ارمنیان و یهودیان از اصفهان که یک مسئله شرعی بود فتوای یکی از علمای مذهبی لازم بود که علمای مذهبی صادر کننده این فتواها در آن زمان عبارت بودند از علی نقی کمره‌ای - محمد تقی مجلسی - ملا محمد باقر سبزواری - ملا محسن فیض کاشانی و شیخ به‌الدین عاملی، زاده شده در جبل عامل لبنان.

شیخ به‌الدین عاملی مشهور به شیخ بهایی دیدگاه بسیار حقارت‌آمیزی نسبت به اهل ذمہ داشت. او باور داشت جهاد با یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان واجب است مگر اینکه مسلمان شوند یا پرداخت جزیه را بپذیرند. شرایط پرداخت جزیه او بسیار سخت و آزاردهنده بود. جزیه به منزله مذلت و خواری اهل ذمہ بود. از شرایط بسیار متعددی که شیخ

تا همین یکی دو سال پیش هم هیچ رسانه آمریکایی جرأت نداشت علیه اسلام و پیامبرش محمد ابن عبدالله چیزی بنویسد چه رسید به این که براحتی محمد را مردی خشن و دین اسلام را دینی ضد صلح و آشتی بنامد. اما یکی دو سالی است که این ترس شکسته و در حال از بین رفتن است. قرآن را بارها در رسانه ها دیده ایم که به آتش می کشند و کاریکاتورهای محمد را اینجا و آنجا می کشند و اخیراً بدون سانسور آنچه را در باره اسلام یافته اند می نویسند و پخش می کنند. ماه پیش مجله معتبر و محافظه کار واشنگتن تایمز بهوضوح نوشت «اسلام دین صلح و آشتی نیست» بخشی از مقاله مفصل واشنگتن تایمز را در مورد اسلام و پیامبر آن در زیر می خوانید.

واشنگتن تایمز ۳/۲۹/۱۳

### «اسلام دین صلح و آشتی نیست»

در واکنش به برنامه تبلیغاتی دانشجویان سعودی که در خیابانهای نیویورک به پخش شاخه های گل میان عابران دست زده بودند، روزنامه واشنگتن تایمز با لحنی بسیاره به دین اسلام تاخته و ادعای دین صلح و آشتی بودن اسلام را رد کرده است. «اسلام دین صلح و آشتی نیست» این تیتر مقاله واشنگتن تایمز است در واکنش به حرکت دانشجویان مسلمان سعودی که با پخش گل میان مردم دین خود را دین صلح و آشتی معرفی می کردند، واشنگتن تایمز می نویسد بسیاری در رسانه ها سعی می کنند اسلام را به عنوان یک دین صلح جویانه تصویر کنند. در حالی که محمد در بیشتر از ۸۰ جنگ شرکت داشت، با دختری ازدواج کرد که تنها شش یا هفت سال از عمرش گذشته بود، هزاران یهودی و مسیحی را به قتل رساند و مورد تجاوز جنسی قرار داد و خشن ترین دین در تاریخ را پایه گذاشت. محمد مثل مسلمانهای افراطی امروز کافران را بوزینه و خوک می خواند. در سراسر قرآن از زبان خدا می گوید که او مسیحیان و یهودی ها را از عربستان بیرون خواهد کرد. نویسنده اضافه می کند، در سرتا سر عربستان هیچ کلیسا نی وجود ندارد، هیچ کنیسه ای وجود ندارد و در عربستان هیچ گونه تحمل ادیان وجود ندارد. مقاله واشنگتن تایمز سپس به نقل آیه های مختلفی از قرآن می پردازد که در آن پیغمبر اسلام از زبان خدا مولانا را به جنگ و قتل مخالفان اسلام فرا می خواند. محمد یک جنگجو بود و مردم را به خشونت دعوت می کرد. قرآن هم حاوی همین خشونتها می باشد. دادن گل به عابران حرکت قشنگی است اما اسلام را به دین صلح و آشتی تبدیل نمی کند. کار آنها جنگ با شاخه گل است. و هیچ مسلمانی به این مقاله اعتراضی نکرد.

### آش چنان شور شده است که!

در تلویزیون جمهوری اسلامی گهگاه یک آخوند گردن کلفت اصفهانی بنام حجت‌الاسلام دانشمند را می بینید که سخن های نامتعارفی می زند. در یکی از سخنرانی هایش شدیداً به کسانی که به مکه می‌روند پرخاش می‌کند. بخشی از سخنان وی را که از روی نوار پیاده شده در زیر می خوانید.

آقا هر سال میره مکه، هر سال میره حج عمره، چه خبره، حج واجب یکبار، چقدر میرید مکه، چرا میرید یک میلیون و نیم خرج می کنید، پولارو تو حلقوم این وهابی های عربستان می ریزید، که تمام این پولا گلوله بشه توی سینه‌ی شیعه، چرا اینقدر گردن این عرب‌ها رو کلفت می کنید، چرا پولارو می برد خرج عربستان می کنید. تو یکبار رفتی مکه، بشین سر جات دیگه، اگه قرار بود آدم بشی می‌شدی، پس حالا که آدم نشیدی سد بار دیگر هم که بری آدم نخواهی شد. پولاتو خرج عربها نکن، مکه ما جوانهای جامعه ماست، حرم ما جوانهای جامعه ماست. مسجد الحرام، جوان فقیر طایفه توست که باید دورش طواف بکنی، کجا داری میری، پولارو خرج کجا می کنی، کعبه و سنگ بهانه است که ره گم نکنی، مکه ما جوون فقیر جامعه ماست، بعد تو هر سال میری مکه، کدوم مکه، میری مکه‌ای که سر موز و پرتقال دعوا کنی، خدا شاهده بالباس احرام سر موز دعوا می‌کردن، به این شب عزیز، با خدمه دعوا می‌کردن که، ا موزای ۶۵ سانتی رو به رفیقات میدی، کوچولو موچولو هاشو به ما میدی، تو فکر می کنی ما نمی فهمیم. سر موز فحش پدر می دادن به هم. من به یکی شون گفتم آقا برای فحشی که میدی باید گوسفند بکشی، چرا فحش میدی، گفت حاج آقا من پدر اینو می سوزونم یک گله گوسفند هم می کشم. این حاجی ماست. این آقا رفته مکه و بیاد که آدم بشه، بخدا قسم نمی دونید تو مکه چه خبر است، نمی دونید. به خدا قسم اگر من یک سری از این حقایق مکه رو برآتون بگم حالتون بهم می خوره از هرچی حاجیه حالتون بهم می خوره دیگه دیدن هیچ حاجی نخواهید رفت. خدا شاهده، اما نمی تونیم بگیم، الان دستمون بسته است. یک روایت رو برآتون بگم.

به امام سجاد گفتند آقا، مسجد الحرام پر بود از حاجی، امسال چند تا حج قبول توی این همه حاجی داشتیم؟ امام زار زار گریه کرد و گفت، از بین این همه حاجی فقط سه نفر حج شان قبول شد، یکی حج خود من، یکی این غلام سیاه و یکی هم شتر من!! به قول همشهری ما نوای اصفهانی که یکی از شعرای قدیمی ماست، خیلی قشنگ میگه.

واجب الحج شدگانی که از این بوم و برند عازم خانه حق‌اند و زحق بی خبرند

بو بصیر آنگه از دیده دل کرد نظر دید محرم شدگان اکثرشان گاو و خرند

امام سجاد فرمود مسجد الحرام نگو، بگو با غ و حش، نگاه کن یک مشت سگ و خوک و شغال و گرگ و خرس و الاغ دور کعبه دارند طواف می کنند. بو بصیر میگه وقتی بین دو انگشت امام را نگاه کردم، بجان امام صادق شمردم، همه از دم حیوون، از دم حیوون! - گفته های موجود در یوتیوب از آخوند دانشمند

## داستان غم انگیز اعدام اولین وزیر زن ایران با داستان یک آخوند به تمام معنا مسلمان.

ما ایرانی‌ها مغورو کورش و داریوش و فردوسی هستیم. اما در عمل آنچه امروز سر ما می‌آید توان نادانی و از آن بدتر نتیجه ستمگری های ما ایرانیان است نسبت به درماندگان و دربندان.

روز پنجمین ۱۸ اردی بهشت ۱۳۵۹ کیهان نوشت. ساعت یک و نیم با مدد امروز فرخ رو پارسا تیرباران شد! مُرده شوی‌ها از شستن جسد وی خودداری کردند. زیرا وی به نام «فسد فی الارض» اعدام شده بود. و بالاخره بوسیله زنان خانواده پیکر وی را که سه تیر به زیر سینه‌اش اصابت کرده و از پشتیش بیرون آمده بود شسته شد.

وی در اسفند سال ۱۳۰۱ در شهر قم به دنیا آمد مادر وی از فعالان حقوق زنان و پدرش کارمند وزارت بازرگانی و مدیر مجله‌های اتاق بازرگانی و عصر جدید بود. فرخ رو پارسا نخستین زن مدیرکل در ایران هم بود. او در سال ۱۹۶۸ وزیر آموزش و پرورش گردید. اورا با اتهاماتی چون کمک بهنشو و نمای فحشا!! و همکاری مؤثر با ساواک به دست خلخالی جلالد محاکمه و بهاعدام محکوم شد. او را در یک گونی کُنه و کشیف کرده و برای آنکه دست و پایی نزنند طنابی را برپاهای او بستند و طناب دیگری را از روی گونی به دور گردن او پیچیدند و او را به درخت اعدام آویزان کردند. طناب دار را که بالا کشیدند طناب پاره شد و به زمین افتاد و بیهوش شد. طناب را از سر و رو و بدن او باز کردند او را به کنار حوضی کشیدند و مشتی آب بر سر و روی از زدند و او را به هوش آوردند، او تصور کرده بود با پاره شدن طناب دار بی‌گناهی او به اثبات رسیده و بخشیده خواهد شد. اما دریغ که پس از یک ربع ساعت دوباره او را به محل قتلگاهش برگرداندند و اینبار بجای طناب با یک سیم تطور که برگردن او انداختند و جعبه خالی پیسی زیر پایش را کشیدند کار او را تمام کردند. سپس سه تیر خلاص برپیکر نیمه جان وی شلیک کردند....

او در وصیت پیش از اعدامش هم حقوق زنان را فراموش نکرد و در یک سطر وصیت نامه خویش نوشت «دادگاه بین زنان و مردان تفاوت زیادی می‌گذارد. امیدوارم آتیه برای زنان بهتر از این باشد» حقی که او برگردن زنان ایران داشت طنابی شد برگردن خودش.

**پاپ جدید - پاپ فرانسیس پس از رخداد زلزله در ایران پیام همدردی فرستاد و گفت ما برای گشته شدگان و آسیب دیدگان دعا می‌کنیم. آخوندهای ایران هم در زیر لب گفتند شما پول بفرست ما خودمان بلدیم چگونه دعا بخوانیم**

## ای‌تی است امپایر

### خشونت در مسیحیت

آیا مسیحیت آنطورکه تبلیغ می‌شود، مذهب صلح و بُردباری است؟ برای نشان دادن خلاف آن به چند نمونه از آیات شماره‌گذاری شده زیر توجه کنید.

۱- The lord «مسیح» با شمشیر سر دختران صهیونیست را میزند و اعضاء نهان شان را عربیان مینماید. سوره Isaiah شماره 3:17

۲- در نظر مجسم کنید روزی که حضرت مسیح ظهور می‌کند، بسی ترحم، با خشونت و عصبانیت بسیار.... هرکسی که پیدایش شود، تار و مار می‌شود و هرکسی که پیدایش نشود از دم شمشیر خواهد گذشت. فرزندانشان در پیش چشمانشان قطعه قطعه خواهند شد. خانه‌هایشان ویران خواهد شد و زنانشان مورد تجاوز قرار خواهند گرفت. سوره Isaiah شماره های 13:15 و 13:9

۳- من «مسیح» گوشت بدستان را در کوهستانها پرتاب خواهم کرد و دره‌ها را از اجساد شما انباشته خواهم کرد. من دشتها و حتا کوهستانها را از خون شما آغشته خواهم کرد. سوره Ezekiel شماره 32:5

۴- در نتیجه در بین شماها، پدران و فرزندانشان و فرزندان پدرانشان را خواهند خورد... من قحطی را به میان شما خواهم فرستاد و حیوانات وحشی را به میان شما خواهم انداخت و آنها فرزندانشان را خواهند درید. بلا و خون در میان شما جاری خواهد شد و من با شمشیر به میان شما خواهم آمد. من مسیح با شما اتمام حجت کرده‌ام. سوره Ezekiel شماره 5:17 و 10:3

۵- من چون خرسی که توله‌اش را بربوده باشند بر سر آنها خواهم افتاد، سینه هایشان را از هم خواهم شکافت و چون شیری آنها را خواهم بلعید، کاری که حیوانات وحشی می‌کنند. سوره Eosea شماره 13:8

۶- بدانید من محصولات شما را نابود خواهم کرد و کثافت به رویتان خواهم پاشید. سوره Malachi شماره 2:3

۷- در میان شهر دنبالشان خواهم کرد. آشغال به طرفشان پرتاب خواهم کرد. چشمانشان در امان نخواهند بود و به شما ترحم نخواهد شد. پیر مردان را، مردان و دختران جوان را، بچه‌های کوچک و زنها را قتل عام خواهم کرد. سوره Ezekiel شماره 9:15

۸- و اما در باره دشمنان من که نمی‌خواستند برآنها حکومت کنم. آنها را به اینجا بیاورید و در جلوی چشمانم آنها را قطعه قطعه کنید. سوره Luke شماره 19:27

**خدایی که به زبان ما حرف نزند، خدایی ما نیست. و خدایی هم که به زبان ما حرف بزند هنوز نساخته‌ایم.**

می‌گوید دمش را به روی پشتش گذاشت و رفت.  
امام نقی در باب معجزه اختصاصی خودش که به زور از الله گرفته بود می‌گفت.

جمل حضرت با حیوانات به زبان فصیح عربی حرف می‌زد و گاهی با آنها مشاعره هم می‌فرمود. اما من با هر حیوانی که باشد با زبان خود آن حیوان حرف می‌زنم. نقل است ایشان گریه را می‌دیدند می‌می‌میو می‌فرمود، سگ را می‌دید بشدت واق واق می‌فرمود و سوسک را می‌دید زیر لب صدای مشکوکی از خود بروز می‌داد و گاهی هم به پشت می‌افتد مانند سوسک غش می‌کرد. بقیه در شماره آینده

### ملتِ همه چیزدانِ همیشه ناراضی!

پس از بمب گذاری در انتهای خط مسابقه ماراتون شهر بوستون آمریکا، تنها کسانی که از پشت پرده این بمب گذاری خبرهای صحیح داشتند، ایرانی‌ها بودند، خبرهایی که اف بی آی و سی آی هم نداشتند بلافتاصله پس از بمب گذاری و گشته شدن سه نفر، ایرانی‌ها به سرعت به روی خط رادیو تلویزیونهای ایرانی آمدند.

- آقا من خبر دارم، خود آمریکایی‌ها در این کار دست داشتند  
- این دو تا برادر خودشان کارمند اف بی آی بودند  
- داستان را درست کردند که مسلمانها را خراب کنند  
- جیگرم خنک شد، تا این آمریکایی‌ها او نبلا رو سر شاه نمی‌آوردند!

- خواست خدا بود که این آمریکایی‌ها رو تنبیه کنند  
- این دو جوان اصلاً مسلمان نیستند، میخوان اسلام رو خراب کنند  
- من خبردارم گشته‌ها سه نفر نبودند بیش از سد نفر بودند  
- چون آمریکایی‌ها نمی‌توانند دیگه در ماراتون اول بشن میخوان این مسابقات دیگه انجام نشی!

- و یکی پشت دیگری از هم میهنان می‌آیند روی خط‌ها و ابراز خوشحالی می‌کنند که پدر آمریکا درآمد!  
- در مجموع بهوضوح می‌دیدی که هم میهنان گرامی ما بیشترشان با آمریکایی‌ها خوب نیستند. در صورتی که بیشتر آنها با التماس و گریه و زاری به‌این کشور راه پیدا کرده‌اند. همه آمده‌اند که پول نفت شان را بگیرند و برگردند!

### دانشگاه و فیضیه

دانشگاهی به دانش خود مشکوک است اما حوزوی به‌جهل خود مطمئن. به دانشگاه پول می‌دهند که درس بخوانند. در حوزه پول می‌گیرند که درس نخوانند. دانشگاهی از تز خود دفاع می‌کند، حوزوی با تز خود حمله می‌کند. در دانشگاه نظریه‌های علمی را آزمایش می‌کنند و در حوزه برای آزمایش با دیگران آمیزش می‌کنند؟

## طنز آموزنده ۱

در این طنز که از ایران آقای ح - و برایمان فرستاده است چندتا بی هم واژه غیر ادبی می‌بینید که به ادب خودتان ببخشید. ضمناً هرگونه شباهت نام‌ها با مقدسات شما کاملاً عدمی است!

امام نقی از میان ۱۲۴ هزار پیامبر خدا بیش از همه با پیامبر ۴۸ هزار و پانصد و نود سوم احساس نزدیکی می‌کرد، زیرا اولاً که اسم او هم نقی بود، دوم اینکه چهراً اش کمی مضحك می‌نمود، سوم اینکه او هم هیچ حدیث معتبری نداشت و چهارم در طول عمر خود موفق نشده بود

کسی را به دین خود درآورد.

امام نقی در خاطرات خود آورده است. یک روز در سامرا زلزله آمد. امام نقی که از پیش می‌دانستند زلزله خواهد آمد آمده می‌شدند که روى عمه جانشان بیفتدند که ناگهان حسین وارد شدند تا مشکی آب قرض کنند، و گفتند یا امام اگر اجازه فرماید ما به روی عمه جان شما بیفتم البته اگر برای شما زحمتی نباشد. امام نقی ناراحت شد و به نماز ایستاد تا به خدا پناه بیاورد، اما حسین خود را آمده پرس بروی عمه جان امام می‌کردند. اما به‌زور زیاد زلزله را یکهفته عقب انداخت تا حسین ناکام به خیمه‌ها بروگشتند.

نقل است که یکبار امام نقی در رکعت چهارم نمازش به شک افتاد، شک کرد که سه رکعت خوانده یا دو رکعت یا چهار رکعت. چون حضرت همیشه در هنگام نماز به فکر زلزله و عمه جانشان می‌افتد حواسش پرت می‌شد. طبق دستور اسلام در چنین شکی بنا را بر دو می‌گذارند. یعنی هرچه خوانده است ۲ رکعت به حساب می‌آید و باید دو رکعت دیگر بخواند که نماز چهار رکعی اش کامل شود. در این لحظه که بنا را بر دو گذاشت به علت تغییر ناگهانی از چهار به دو موتور حضرت سوخت.

امام نقی عادت داشت که همواره احادیث و روایات قبلی را «آپ دیت» یعنی تغییر بدند و به روز درآورد. برای مثال می‌فرمود، هماناً جلد محمد شهر علم و من عوارض بگیر در ورودی شهر علم ام.

روزی امام گیر قبیله آدمخوارها افتاد و از رفتن درون دیگ آبجوش امتناع ورزید و حتی دست و پا می‌زد که سرش را زیر آب جوش نبرند. رئیس قبیله به حضرت گفت «لطفاً به عقاید ما احترام بگذارید».

امام نقی به درگاه الله نالید که چرا به من معجزه ندادید تا امامت را به مردم ثابت کنم و این همه باعث مسخره و خنده مردم نشوم. الله گفت، دیوید کا پرفیلد شعبدہ باز، با آن همه معجزه‌ای که بلد است، مثلاً برج ایفل را از داخل سوراخ یک سوزن رد می‌کند و یا هواپیمایی را محظی نماید اگر هر ماهه اینجا و آنجا نمایش برپا نکند سر ماه اجراه خانه‌اش را هم نمی‌تواند بدند. اما شما بدون کار کردن و بدون انجام هر معجزه‌ای هر روز، از دست مردم خمس و زکات و سهم امام و پول روضه و نذری های گوناگون دریافت می‌کنید. آیا معجزه بالاتر از این هم می‌شود که ما به شما عطا فرمودیم. امام نقی که دید الله راست

پرویز مینویس

## نکته

آقای پرویز مینویس مقاله‌ای به نام «در حاشیه حرف زدن» برای

مجله تهران نوشته بود.

مقاله ایشان مقدمه‌ای جالب داشت که به کار نشریه ما نیز می‌خورد، نوشته‌اند. هریک از ما شکل صورت و رنگ چشم و مو و بسیاری چیزهای دیگر را از پدر و مادر خود بهارث می‌بریم، اما بسیار چیزهای دیگر را به گونه‌ی اکتسابی از محیط اطراف خود دریافت می‌کنیم. برای مثال اگر یک کودک ایرانی پدر و مادر مسلمانش را در حادثه‌ای از دست بددهد و سرپرستی این کودک ایرانی مسلمان زاده را یک خانواده مسیحی (ارمنی یا آسوری) به عهده بگیرد و او را کنار فرزندان خود بزرگ کنند (یا این کودک را یک آمریکایی به آمریکا ببرد) طبیعی است که زبان اول این بچه می‌شود زبان ارمنی یا آسوری و دین این کودک هم با آموزش‌های دینی آن خانواده مسیحی خواهد شد و در بزرگی اش عیسی را پسر خدا یا خود خدا تصور خواهد نمود، حال اگر به این بچه مسلمان زاده مسیحی بارآمده بگوییم که در حدود هزار سال پیش یک پسر ۵ ساله عرب از ترس گشته شدن به چاهی رفته پنهان شده و هنوز زنده است تا روزی ظاهر شود و دنیا را به تسلط خود درآورده اینکه او چنین داستانی را باور نخواهد کرد پوزخندی هم بر لبانش نقش می‌بنند. بنا بر این، این کودک شکل و رنگ پوست خودش را از پدر و مادر واقعی اش بهارث برده اما زبان و مذهب و آداب و رسوم خود را از یک پدر و مادر مسیحی گرفته است این حقیقت نشان می‌دهد که محیط رشد و زیست انسان، باورها را می‌سازد که این باورها می‌توانند کامل‌ابی پایه و اساس باشد، مانند موضوع مذهب که یک امر کامل‌ابی پایه ارثی در هر انسانی است.

## آموزگار آموزگاران

زرتشت از همان آغاز کار، خود را یک آموزگار معرفی کرد و مدعی شناخت خدا از راه وحی نشد. این گام نخست خردورزی و خردمندی گردید، او نیایش را در ارج گذاری به آب و گیاه و چارپایان دانست. زرتشت افتخار مایه‌ایان است که اراده و اختیار را در انسان می‌ستاید و می‌گوید سخن‌ها را بشنوید و با اندیشه روشن در آن بنگرید و راهی که باید در پیش گیرید برای خود برگزینید و در برابر خرافه‌ها و پندارهای نادرست پیش بخیزید. او به همه نکوکاران درود می‌فرستد و نه تنها به پیروان خویش.

برای تهیه کتاب هفت‌سده‌گفتار و رباعی با شاعر آن دکتر نادر نوع پرست تماس بگیرید. ۰۳۰۸-۰۰۵ (۹۴۹)

## راهتان را انتخاب کنید

در آیه ۸۵ سوره آل عمران به ترجمه آقای بختیاری نژاد آمده است «کسی که دنبال دینی غیر از اسلام برود هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران است»

به سادگی می‌گوید اگر شما کلیمی یا مسیحی یا زرتشتی یا بهائی یا بودایی و یا هر دینی غیر از اسلام داشته باشید از شما پذیرفته نمی‌شود و تنها مسلمان‌ها مورد قبول هستند.

در همین سوره آیه های ۵۱ و ۶۲ و ۶۵ می‌گوید «فقط خدا را بندگی کنید و کسی را شریک او نسازید» و در آیه ۶۵ دیگر می‌گوید تنها خدا را بندگی و عبادت کنید، و تکلیف ما شیعه‌ها که در آغاز نماز می‌گوییم «اشهدواں علی ولی الله» و یا همواره ورد زبانمان است «یا علی، یا زهرا، یا شهید مظلوم، یا سرور شهیدان، یا ابوالفضل و یا امام رضای غریب، معلوم است و تنها مسلمانان سنی مذهب هستند که بهشت برای آنان است و بقیه کافر و جهنمی و در آخرت جزو زیانکاران هستند. سوره ابراهیم در آیه سوم آمده «الذین یستحبونا الحیواه الدنيا الى آخره و یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا اولانک فی ضلال «بعید»، که ترجمه الهی قسمه‌ای این آیه چنین است «کافران یعنی آنانکه زندگانی دنیا را برآخرت مقدم می‌دارند و خلق را از راه خدا برگردانند و آن راه راست را به شک و شبیه کج کنند در گمراهی بسیار دوری هستند».

آیا شما فکر می‌کنید، برگزار کنندگان دو استقامت ماراتون، این مسابقات را در راه آخرت انجام می‌دهد؟ معلوم است که نه، آنها به خاطر این دنیا و کارهای دنیایی آن را انجام می‌دهند. و یا سایر مسابقات گوناگون ورزشی، نمایش تأثیر، سینما، برپایی جواهر فروشی، مبل فروشی، میوه فروشی همه و همه به دنبال کارهای دنیایی هستند. شما اگر مسلمان سئی باشید، آیا بیشتر به کارهای دنیایی هستید یا آخرتی؟ آیا بفکر درس و مشق بچه‌ها، تهیه ناهار و شام، تهیه اتومبیل و تلفن و غیره هستید؟ که در اینصورت شمای سنی هم کافرید.

خداآوند رحمان و رحیم در سوره توبه و در بخشی از آیه ۴ می‌فرماید «.... مشرکان را هرچا یافتد به قتل برسانید و در بخشی از آیه ۱۴ همین سوره می‌گوید «.... با آن کافران به قتال و کارزار بر خیزید». با این وصف مسلمان واقعی نداریم که بهشت برود جز طالبان که به کارهای دنیایی اصلًا توجهی ندارند و فکر و ذکرشان کشتن کافران است یعنی عبادت خدا بنا به دستور قرآن.

پس تکلیف ما چیست؟ یا باید بگوییم، چون محمد با خبر شد پیش از او ۱۲۴ هزار نفر ادعای پیامبری کرده‌اند و به پول و قدرت رسیده‌اند او هم همین ادعا را کرد تا به قدرت و پول رسید و همه سوره‌ها هم برای ترساندن مردم بوده است و می‌خواسته به‌امید بهشت و ترس از جهنم مردم را پیرو خود کند از او پیروی کنیم و یا باید به طالبان پیوondیم.

دکتر مهرآسا

## دروغگویی زرنگ، ماهر و با پشتکار با ادعای رسول الله!!

چندان وقوعی نمی‌نها دند به طوری که حتا در مرض موت محمد نیز عمر خلیفه دوم حاضر نیست حرفش را بشنوند و می‌گوید او در اثر تب، سرسام می‌گوید... چند حدیثی هم که ابوحنیفه راستش پسنداشته، سخنانی بوده است که از سوی عایشه سوگلی حرم محمد بازگو شده است، اما از نظر مسلمان قرآن چیزی دیگر است و مؤمنان نوشته‌های این کتاب را سخن خدا و کلام الله می‌دانند و به چنین امری اعتقاد راسخ دارند. معتقدند که این نوشته‌ها ۱۳ سال در شهر مکه وجود از ده سال در شهر مدینه به محمد وحی شده است. با وجود ایمان و اقرار فقیهان و اسلامگرایان به کلام الله بودن متن این کتاب، تمام شواهد و ظواهر نشان می‌دهد که این نوشته‌ها تألیف و گفته و نوشته‌ی آدمی است و فردی زرنگ و به نسبت اهل مکر و فریب، چنین نوشتاری را تصنیف کرده و به نام گفتار الله آسمانها به مردم زمان و مکان خود معرفی کرده است... اتفاقاً در همان زمان نیز مردم به جای پذیرش این ادعا، گوینده‌اش را مسخره کرده و بر او سنگ و کلوخ نیز پرانده و حتا قصد جان او را کرده‌اند. تهدید چنان جدی بوده است که محمد شبانه همراه دوستش ابویکر از مکه شهر زادگاهش فرار کرده و پس از چند روز راه سپاری، خود را به شهر یثرب در شمال مکه رسانده است. اما مصنف قرآن چون نیت و آرزوئی بزرگ را در سر می‌پروریده و در صدد بوده است که سرزمین مسقط الرأس خود را از دست قومگرانی و قبیله بازی و حکومتهاي محله‌ای رؤسای قبیله نجات دهد و مانند سرزمینهای روم و ایران حکومت مرکزی را در آنها برقرار و تأمین کند، تمام این مخالفتها و اهانتها را پذیرا شده و با پشتکاری در خور تحسین، عزم خود را جزم کرده که به مقصد برسد. بیشتر محتوای کتاب قرآن که مسلمانان با جمع اضداد آن را هم معجزه محمد معرفی کرده و هم کلام خدا نامیده‌اند درست نسخه‌برداری از کتاب تورات یهودیان است که حدود ۱۵ قرن پیش از ادعای پیامبری محمد، توسط کاهنان و خاخامها و تاریخ نگاران یهودی نوشته است. تمام قصص قرآن در تورات بیان و نوشته شده است و هیچ یک جدید و بدیع نیست. تنها کاری که محمد کرده است بگرداندن آن از گویش عبری به گویش عربی است. پس چون قرآن نوشته‌ی محمد است، بهتر است آن را کتاب حدیث محمد بنامیم.

دیگر دستورهای دین محمد از قبیل نماز و روزه و زکات و حج همه یا برگرفته از تورات است و یا دنبال همان عادات و رسوم قوم عرب در حجاز است که مورخان مسلمان آن دوران را به دروغ و بهتان دوران جاهلیت اعراب نام نهاده‌اند. این بهتان و نامگذاری غلط برای این است که مقام و منزلت محمد و دینش را بالا ببرند و چنین وانمود کنند که محمد مردمان عرب کشورش را از جهالت نجات داده است. در حالی که اعراب بت پرست به مراتب فهمیده‌تر از مسلمانان بعدی بودند. زیرا در آن دوران آزادی اندیشه وجود داشت و هر کس بنا

دین یهودی را موسی بنیان نگذاشت، بل این دین حاصل کار و نوشتار چندین نفر از بزرگان قوم یهود بود که طی چند قرن هدفشنان در معرفی و جهانی کردن قومشان به نوشتن و تألیف کتابی به نام تورات انجامید و شاید موسی نیز یکی از آن تلاشگران بوده باشد. عیسویت را نیز عیسی ابن مریم توانست به سرانجام رساند و جانش را در این راه از دست داد. کارش را ۱۲ نفر حواریهای او پی‌گرفتند؛ و تلاشها کردن دسته کتاب انجیل را نوشتند و سرورشته را به دست واتیکان سپردند تا دین عیسی (با شهرت مسیح) به نام آئین مسیحی دین غالب جهان شود. اما دینی که محمد علمش را افراشت، هرچه بوده و هست، سرپايش با زحمات و پشتکار خود محمد قوام یافت و دوام آورد. برای پی بردن به عمق اندیشه و خواسته‌های محمدابن عبدالله، مردی عرب از قبیله قریش حجاز که به ادعای مورخان اسلامی در چهل سالگی دعوی پیغمبری کرد و با این دعوی هم نماینده خدا در روی زمین شد و هم پایه های حکومتی نوین را در میان اقوام و قبیله‌های اعراب بنا نهاد، دو منبع بیشتر در اختیار نیست. یکی کتابی است به نام قرآن، و دیگری مطالبی است که آخوندها و فقیهان پس از خلفای راشدین و زمانی که تمام اصحاب محمد از دنیا رفته و مرده بودند، به محمد نسبت داده‌اند و از زیان محمد بازگو می‌کنند و آنها را حدیث نامیده‌اند. حدیث در واقع سخنان معمولی و روزمره محمد است که مخاطبان در همان موقع شنیده‌اند و به خاطر سپرده‌اند؛ بعدها آن را یا خود به صورت نوشته درآورده‌اند، و یا با نقل آنها بر اریاب قلم، این گفته‌ها به صورت مکتوب به دست و دید دیگران رسیده است. در نزد سنی‌ها حدیث به همان گفتار محمد گفته می‌شود؛ ولی در میان شیعیان هرآنچه را چهارده مucchوصمان گفته یا نوشته‌اند نیز، حدیث می‌نامند و سر به میلیونها می‌زندا!

البته قرآن مطالبی است که محمد ادعا دارد از سوی الله، خدای آسمانی توسط رافع و یا نامه رسان و پستچی بی به نام جبرئیل به خانه او رسیده و به او ابلاغ شده است و سخن او نیست... به این ترتیب، شاید موضوع حدیث قابل قبولتر از کلام الله باشد. زیرا هر کس در طول شب و روز با اطرافیان و مخاطبان سخنانی را رد و بدل می‌کنند؛ و محمد نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. پس حدیث اگر صحیح باشد و سندیت داشته باشد، می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. اما ساختن و نسبت دادن نوشتاری مهمل به الله موهوم و ناپیدا به یقین دروغی بزرگ است. به هر حال، اکثریت مطلق همین حدیث‌ها نیز ساختگی و غیر مقبولند به گونه‌ای که ابوحنیفه فقیه اعظم مسلمانان که ایرانی بوده است، تنها ۱۷ حدیث را معتبر و درست می‌شناسد و بقیه را ساخته ذهن دروغگویان می‌داند. به طور یقین این ۱۷ حدیث درست است؛ زیرا در زمان قدرت کامل محمد نیز مردم تنها آنچه را او از سوی الله به نام وحی معرفی می‌کرد به اکراه یا به رضا می‌پذیرفتند و به سخنان معمولی او

## ایران پرس نیوز

### خبر خوش سال نو

از ۲۰ هزار دانشجوی دانشگاه ارومیه تنها ۱۰۰ نفرشان در نمازهای جماعت اجباری این دانشگاه شرکت می‌کنند؛ یعنی از هزار نفر فقط ۵ نفر.

به گزارش ندای ارومیه، آخوند سید مهدی قریشی طی سخنانی از وضعیت بدحجابی در دانشگاه ارومیه انتقاد کرد و گفت با توجه به اینکه جامعه ما برگرفته از الگوهای ناب اسلامی است، اما متأسفانه ما شاهد وضعیت بدحجابی در سطح جامعه و دانشگاه هستیم. این آخوند که قائم مقام نهاد نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در دانشگاه ارومیه است در ادامه سخنانش از عدم حضور استادان، مسئولان دانشگاهی و دانشجویان در نمازهای جماعت این دانشگاه انتقاد کرد و اظهار داشت از ۲۰ هزار دانشجو تنها ۱۰۰ نفر از دانشجویان در نمازهای جماعت این دانشگاه شرکت می‌کنند. این در حالی است که با افتتاح مسجد جدید دانشگاه ارومیه هیچ نماز جماعتی در این مسجد برپا نمی‌شود. این جوانها همین ۵ سال پیش تعدادشان از هر هزار نفر شرکت کننده در نمازهای جماعت ۱۰۰ نفر بود و امروز از ۲۰ هزار آنان ۱۰۰ نفر نماز می‌خوانند.

این خبر خوش را باید به همه روشنگران ایرانی در سراسر جهان شادباش گفت. قابل توجه آنها که پایشان را در یک کفش کرده و می‌گویند دین که از بین نخواهد رفت.

### پاسخ امام گونه «حسنی» امام جمعه رضاییه به «ایران رشیدپور»

شما اگر انسان بودی تحقیق می‌کردی، ای حیوان‌الاً‌الاً، برو ببین پیغمبر مرغ می‌خورد؟ برو ببین ائمه معصومین مرغ می‌خوردن، ای ابله، ای نادان، ای مرغدار بدبخت، تو چرا بجای پرورش مرغ، شتر پرورش نمی‌دهی. شتر بدبخت خار می‌خوره دویست کیلو گوشت میله، مرغ صبح تا شب هرچی می‌خوره دو کیلو هم گوشت نمی‌ده. از قدقدش خوشت می‌آد؟ از فضله‌اش خوشت می‌آد؟ ای بسی شهور (شعر). ای موسوی ای کروبی خائن بجای مرغ برو تو دریاچه ارومیه هویج بکار. ای خردادیان راقص، آلان تو خوشحالی که قر می‌دهی؟ ای حیوان اگر در ارومیه بودی من خودم اعدامت می‌کردم، ای زن سگ باز مرغ می‌خری می‌دهی به سگ پاکوتاه کوفت کنند، تا مرغ بدمست مؤمنین نرسد. حالا برو بگو حسنی خشونت‌گر است. دشمنان اسلام این مرغ را وارد سفره ما کردند و گرنده در زمان شاه ملعون کسی مرغ نمی‌خورد. مغازه‌ها پُر بود از مرغ و کسی آنها را نمی‌خرید. ای احمق دهاتی که مرغ در خانه نگه میداری تو هم همدست صهیونیستی، همین شما لعنت‌الله علیه‌ها هستید که می‌خواهید مردم ران مرغ بخورند من فتوا می‌دهم مرغ حرام است، گوشت حرام است، شیر حرام است. ای خاک برسر همه شما هرچه کم است حرام می‌باشد.

به خواست و اراده خود بت و منبع باور خود را برمی‌گزید؛ در حالی که وقتی مسلمان شدند، جرئت هیچ گونه دگراندیشی و تردید را نداشتند. انجام مراسم و مناسک حج نیز، کاملاً برگرفته از مراسمی است که اعراب برای بتحانه کعبه انجام می‌دادند و تکرار همان اعمال بت پرستی است و سنگ سیاه درون کعبه درست به مانند بت است. پرستش بت‌های کعبه همانند مراسم حج برای اهالی مکه جنبه اقتصادی داشت و زوار بتحانه کعبه که محمد آن را به بیت الله تبدیل کرده بود در اقتصاد شهر مؤثر بودند و به آن کمک می‌کردند. اعمال حج کنونی مسلمانان دقیقاً اجرای یک مراسم بت پرستی است.

تنها بحث جهاد که در فروع دین در رده پنجم است، در دینهای پیشین نیست و ساخته‌ای تازه و نوعی آدمکشی است برای فنای کسانی که نمی‌خواهند به قدرت محمد گردن نهند. اما در واقع جهاد نیز تازه نیست و دنبال همان یورشها و حملات غارتگرانه‌ی اعراب به دیگر مردمان برای کسب روزی است. زیرا اعراب نه‌اهل کاشت و زراعت بودند و نه راغب به صنعت؛ چند نفری باز رگان داشتند که به اطراف می‌رفتند و خوراکی و وسائلی را به نجد و حجاج برای فروش می‌آوردند. و بقیه مردمی غارتگر و دزد و آدمکش بودند و روزیشان را از دزدی و غارتگری و یا شتر چرانی به دست می‌آوردند. این در حالی است که محمد هوای دیگری در سرداشت و خود را در جوانی گرفتار و در گیر این چپاول و غارتگر نمی‌کرد بل راهی دیگر رفت و با ازدواج با بیوه‌زنی ثروتمند که تقریباً دو برابر محمد سن داشت، راه رسیدن به مقصد را یافت...

ایران رشیدپور

### آرام آرام

آرام آرام از کار بیکار مان کردند، ما نفهمیدیم، آرام آرام با دادن یارانه اجناس را ۴ برابر به ما فروختند، آرام آرام بنزین ۱۰۰ تومانی را ۴۰۰ تومان و بعد ۷۰۰ تومان به ما فروختند. آرام آرام نان لواش ۳۰ تومانی شد ۱۰۰ تومان، برابری ۱۰۰ تومانی شد ۴۰۰ تومان، سنگ ۲۰۰ تومانی شد ۸۰۰ تومان آرام آرام شیر ۸۰۰ تومانی شد ۱۸۰۰ و ۲۰۰۰ بعد ۲۰۰۰، ماست ۲۰۰۰ تومانی شد ۵۰۰۰ تومان، مرغ ۲۰۰۰ تومانی شد ۸۰۰۰ تومان و بعد همین مرغ شد ۶۰۰۰ تومان که بخاطر کاهش ۲۰۰۰ تومانی اش مسپاسگزار دولت خدمتگذار باشیم. و بالاخره آرام آرام گوشت ۷۰۰۰ تومانی شد ۲۵۰۰۰ تومان، دلار ۱۰۰۰ رسید به ۲۵۰۰ و ۳۵۰۰ و سرمایه و دارایی همه نصف و کمتر از نصف شد و بسیاری از تجار و رشکسته و نابود شدند و نابود شدیم. آرام آرام هر کاری دلشان خواست کردند و ما در مقابل چه کردیم؟ هزار و چهار سال مدارا، با بچه‌های در بدر در اطراف جهان و یا معتاد در کنج خانه‌ها و بیکار و یا دوان بدنبال یک گرده نان در چند جا مشغول به کارهای سخت. همه چیز آرام آرام بما فرو شد و صدایمان هم در نیامد و در نمی‌آید.

رادیو فردا - رؤیاکریمی مجدد

## «جهاد النکاح!»

بارها در بیداری نوشته‌ایم در هیچ کشور اسلامی درخت دموکراسی و آزادی نخواهد رویید و اگر هم ظاهراً ادای دموکراسی را در مدتی کوتاه درآورند، قوانین شرع اسلام آن را برخواهد انداخت و از بین خواهد بُرد.

پس از رخدادهایی بنام بهار عربی که در تونس و لیبی و مصر و عراق و سوریه رخ داده و یا در حال رخ دادن است، بجای آمدن آزادی برای مردم، بهویژه برای زنان این کشورها، گروههای تندری اسلامی با استفاده از همین دموکراسی بی‌ریشه و ظاهری مردم خود را به روزگار بسیار بدتری از روزگار رژیم‌های پیش از انقلاب و بهار عربی خود برگردانده و بر می‌گردانند. برای نمونه زنهای مصری را که آزادی حجاب داشتند و یا در تلویزیونهای خود می‌توانستند مانند کشورهای پیشترته بدون روسربی یا چادر برنامه اجرا کنند همه را در گونه‌های سیاه که فقط دو سوراخ برای دیدن دارد کردند و پشت دوربین‌ها نشانیدند، در تونس هم که نخستین کشور انقلابی بود و زنها کاملاً از آزادی‌های فردی برخوردار بودند، حزب الله متشعّب با هجوم به زندگی زنها، آزادی‌آنها را از بین برد و اینکه زنهای محجبه را بنام جهاد النکاح دسته دسته به سوریه برای بهره‌برداری جنسی سربازان بشار اسد که با آزادی‌خواهان می‌جنگند می‌فرستند و بهار عربی در کشورهای اسلامی به زمستان سیاه عربی تبدیل شده است. در تونس تندریان مذهبی از دختران و زنان بیوه می‌خواهند تا نیازهای جنسی مجاهدان (نامی که به سربازان بشار داده‌اند) سوریه برآورده کنند و به بیشتر بروند. این افراطیون نام این کار را جهاد النکاح گذاشته و با این ترفند دختران تونسی را به کشور جنگ زده سوریه اعزام و به فحشا می‌کشانند.

## نامه واردۀ از: رضا-س

پاپ چون با جامعه‌ای فهمیده‌تر سر و کار دارد در رفتار خود احتیاط بیشتری دارد اما خامنه‌ای چون با جامعه عقب مانده‌تری رویروست احتیاج به احتیاط ندارد و دست به هر عمل دور از انسانیت می‌زنند. در ایران امروز هر کسی خوش در بیابان بمیرد از لاشه او یک امامزاده درست می‌کند و مردم نادان از نان شکم زن و بچه گرسنه خود می‌برند که تقدیم چنین امامزاده‌ای کنند و ایمان عاشقان همین امامزاده هاست که هواپیمایی را با دویست مسافر به برج ساخته‌انها می‌کوبد. کسانی که ایمان دارند عقلشان کار نمی‌کند، خمینی با دروغ گفتن هایش باعث شد که بسیاری از ایرانیان دست از اسلام بکشند ولی متأسفانه برای مردم هنوز خدا ایشان سرجایش هست در صورتی که شکل اصلی بشریت همین خداست نه دین‌ها و پیامبرها.

## دکتر هولاکویی و دین

روشنگری‌های روز افزون دکتر هولاکویی گرامی در مورد توهمنات دینی در چند سال گذشته در میان ایرانیان بسیار مؤثر و ارزشمند بوده است و ضمن سپاس از ایشان جای خوشحالی دارد که بالآخره یک نفر از رده آگاهان و دانایان بدون بیم از مفتی و محتسب زبان به راستی گشوده است. اما اخیراً سخنی را از ایشان شنیدیم که بسیار غافلگیر کننده و تعجب‌آور بود. ایشان در هنگام گفتگو با آقای میبدی جوگیر فضای برنامه شدند و ناگهان فرمودند بی‌دین‌ها خیلی بدتر از دیندارها هستند و جمله دیگری هم فرمودند که دین به معنای روش زندگی است.

آقای دکتر گرامی، بر چه مبنای فرمایید بی‌دین‌ها خیلی بدتر از دین دارها هستند، از چه لحاظ بی‌دین‌ها بدتر هستند، از لحاظ اینکه دین ندارند؟ یا انسانهای شرور و بسی انضباط و دانش نیاموخته‌ای هستند؟ آیا جز این است که هرچه زندانی و معتاد و باجگیر و مزاحم و درس نخوان و حتی قاتلین بیشترشان مذهبی هستند. کدام دسته و گروه از بی‌دین‌ها را می‌شناسید که دست به گشتن انسانها زده باشند و بر عکس کدام گروه و دسته از آدم‌کشان و سلب‌کنندگان زندگی از مردم را مذهبی نمی‌شناسید؟ نفرمودید که بعضی بی‌دین‌ها بدتر از بعضی دیندارها هستند فرمودید بی‌دین‌ها بدتر از دین‌دارها هستند که یک اتهام سنگین به بخش بزرگی از جامعه صلح جو و انساندوست جهان است به نظرم سخن ولتر است که می‌گوید، تاکنون یک فیلسوف و یا یک بی‌دین یک کشیش را نکشته است اما کشیش‌ها بسیاری از روشنفکران و بی‌دینان و فیلسوفان را گشته‌اند. و اصلًا هم دین معنای راه و روش زندگی نیست که چنین جمله‌ای را بروزیان آوردید. دین‌ها همه برپایه دروغ و فریب برپا شده‌اند و حقیقتی در آنها نیست، چنین اندیشه‌ای چگونه می‌تواند معنای راه و روش زندگی داشته باشد. خوشحال می‌شویم توضیح شما را در بیداری منتشر کنیم تا رفع ابهام گردد.

در سن دیاگو «بیداری» را از ساحل بازار شهر لاهویا بدست آورید.

تلفن: ۸۵۸-۹۹۵۹-۴۵۶

در سن حوزه «بیداری» را از فروشگاه یونایتد فود بازار

بدست آورید. ۱۹۲۲-۳۶۵-۴۰۸

به جنبش رهایی از اسلام به پیوندید.

www.antieslam.net را ببینید

myradiostream.com/radiomani رادیو مانی را گوش بدید

مجید کفایی - شاعر

## فرستنده و نویسنده:

پ. رفیعی - جوانی از شهر کوچکی در شمال ایران

به نام خداوند جان و خرد. امروز بیستمین روز از ماه دوازدهم سال نود و یک در این شهر غریب، در این بهشت همیشه جهنم در این میدان کارزار اهورا و اهربیمن برای آن ایستاده‌ایم که زندگی کنیم ولی افسوس که نیاکان و نسل گذشته منِ جوان طرز زندگی کردن را می‌دانستند ولی مرگ را به ما آموختند؟ دروغ را؟ خیانت را؟ بی تفاوتی را؟ کینه و دزدی و اعدام و اعتیاد را؟ چرا؟ چرا؟ و چرا؟ آیا پاسخ این چراها را باید نسل من و فرزندان من بدهنده؟ بگوش باشید اگر من ساكت شدم، اگر می‌بینید که نیستم، حتماً آتش زیر خاکستر، هیزم را زیاد کنید همه جا را به آتش می‌کشم. امروز من نتیجه هزاران سال تجربه از نوع ایرانی آن هستم که از پدرانم کورش، داریوش، خشاپیار، اردشیر، سورنا، مهرداد، خسرو، بابک، انوشیروان، رضا خان و از ناپدری هایم اسکندر، محمد، علی، حسن، حسین، چنگیز، تیمور، آقا محمد خان و ناصرالدین شاه و خمینی بهارت برده‌ام. من وارث همه‌ی این خاک بودم، اما آنها را از من ربودند و امروز من مانده‌ام و یک قلم، که فقط خاطرات خود و پدرانم را بنویسم. می‌نویسم چون هنوز امیدوارم، چون می‌دانم روزی آنها را بدست خواهم آورد. امروز سایه اهربیمن روی سر من سنگینی می‌کند، اهربیمنی که از جنس دین است از جنس اسلام است که بوی خون و نفرت می‌دهد. و می‌خواهد با مرگش همه چیز را نابود کند. این دین بیش از هزار سال است، خنجرش در سینه‌ام فرو رفته است، اما هنوز زنده‌ام و نفس می‌کشم، می‌خواهم آن را از سینه بیرون بکشم، اما به تنهایی توانش را ندارم، یاری دهنده‌ای می‌خواهم از پدرانم، از مادرانم، از هم میهنانم. اما ای دل غافل که خود آنها بودند این خنجر را تیز کردنده و با شدت به قلب همه جوانهای خود فرو بردنده. ما در این دوران سخت تاریخ گیر افتاده‌ایم، این حق ما نبود. ما باید امروز را برای فرزندانمان می‌ساختیم ولی نمی‌دانستیم که باید اشتباہات پدران و مادرانمان را جبران کنیم و تا به امروز حتا یک عذر خواهی کوچک هم نکرده‌اند و گناه را به گردن این و آن می‌اندازنده. اینک این ماییم که بجای شما شرم می‌کنیم، پوزشی می‌طلبیم، ناسزا می‌شنویم، نام تروریست می‌گیریم و زندان‌ها را پُر می‌کنیم. شما چه می‌کنید؟ این ما و این جان خسته و رنجور و زخمی ما، اما شما چه می‌کنید، و شما چه کردید! که زندگی ما را تباہ نمودید.

چه زمانه ایست: خرداد ماه ۲۷۲۲ تشکیل نخستین دولت

ایرانی (ماد) - ۲۵۷۲ هخامنشی - ۳۷۵۱ زرتشتی - ۵۷۷۳

یهودی - ۱۳ میسیحی ۲۰۵۲ شاهنشاهی کورش بزرگ -

۱۳۹۲ اسلامی (از زمان فرار محمد به مدینه)

## انتقادی بر پیام‌های نوروزی شاهزاده و شهبانو

در آغاز بگویم، ما با همسایگان عرب خود هیچگونه دشمنی نداریم. منظور گفتن وقایع و حقایق تاریخی است.

نوروز جشنی است ایرانی که اعراب در بوجود آوردن آن هیچگونه نقشی نداشته‌اند حتا در سده‌های متعدد خلفای عرب سعی می‌کردند آن را از میان بردارند و بعضی از آنها اگر کسی نوروز را جشن می‌گرفت مجازاتشان می‌کردند. بنابراین بکار بُردن تقویم شمسی ۱۳۹۲ که مبدا و پایه عربی دارد در هنگام فرا رسیدن نوروز کاری شایسته نیست زیرا ما خودمان تقویمی قانونی و ایرانی داریم که ۲۵۷۲ می‌باشد و ما را به ریشه خودمان عصر زرین کورش پیوند می‌دهد و ارزش ایران را مینمایاند که یک کشور کهن سال است. تقویم «عمری» که هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه مبدأ تاریخ خود قرار داده هیچ ربطی به ایران و تاریخش ندارد، نه عمر، نه محمد نه مکه و نه مدینه کوچکترین ربطی به ایران ندارند که اتفاق تاریخی آنها را تاریخ نوروز خود کنیم. حتا چپاول و خونریزی و آسیب‌های ناشی از حمله اعراب به ایران را نادیده هم بگیریم توهین بزرگی به تاریخ، به نیاکان و به شناسه ایرانیان است که از یک تاریخ بیگانه، بیگانه‌ای که دوستشان هم نمی‌داریم برای نوروز، نوروز گرامی مان بهره بگیریم و آن را نوروز ۱۳۹۲ بنامیم. اگر پدران ما به زور شمشیر این تاریخ را پذیرفتند ما چه اجرای داریم آن را تاریخ و تعداد سال عمر کشورمان بدانیم، یک تاریخ غیر واقعی از سوی دشمن آورده شده. مانند آنست که یهودی‌ها تاریخ تولد و یا به قدرت رسیدن هیتلر را تاریخ خود بدانند و در مکاتبات روزمره و جشن‌های خود بکار ببرند. دستکم برای چنگیدن، یک چنگ فرهنگی با رژیم موجود نباید این نوروز را نوروز ۱۳۹۲ نامید.

آیا گفتن اینکه تاریخ و عمر میهن ما خیلی بیشتر از ۱۳۹۲ سال است شرم دارد؟ تا کی باید بگوییم بعداز میلاد، یا پیش از میلاد؟ چون تاریخ ما در ۱۳۹۲ سال پیش به صفر می‌رسد و پیش از آن چه؟ البته که تاریخ ایران خیلی هم بیشتر از ۲۵۷۲ سال قدمت دارد که می‌تواند در آینده هرچه که هست به تصویب رسمی برسد. اما ۲۵۷۲ در رژیم گذشته به تصویب رسید و رسمی ترین تاریخ فعلی ما می‌باشد.

پیام من به شهبانو و شاهزاده و بزرگانی است که در پیام‌های نوروزی خود از این تاریخ عربی استفاده می‌کنند. دوم فروردین ۲۵۷۲ یا ۲۲

۲۰۱۳

سپاس از خانم و آقای (و) که با پرداخت ۵۰۰ دلار به

چاپخانه گوشه‌ای از بدھی ما را تسویه نمودند.

## Thinking points for Iranian youth

To Muslims, the goal is everything. Islam condones any and all means to achieve its goals. The ultimate objective of Islam is the rule of the entire world under the Islamic Ummah.

To the Muslim, Allah is on the Job-on every job, with his invisible mighty hand, Allah's hand is above all other hands. If something happens, it is Allah's will. If it doesn't, it is Allah's will.

**Slavery of the mind is as evil as the slavery of the body.  
Islamofascism enslaves both**

Amil Imani

برای تهیه ۶۰ شماره بیداری که به صورت ۳ جلد کتاب شده به نام خردناهه بیداری به تلفن های زیر مراجعه نمایید.

۱۳۰-۰۰۱۳ (۸۵۸)  
۱۵۱-۴۴۶ (۳۱۰)  
۷۷۴-۷۴۷۷ (۳۱۰)

دفتر بیداری  
کلبه کتاب  
شرکت کتاب

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013  
bidari2@Hotmail.com www.bidari.org

## بیداری

نشریه کانون خردمندی ایرانیان

## روشنفکران سرگردان

در شماره ۶۶ بیداری در مقاله «روشنفکران» دو نوشته متضاد از آقای ناصر شاهین پر نویسنده هفته نامه فردوسی را بطور مستند درج کرده بودیم و از تضاد در دو نوشته ایشان استقاد کرده بودیم پس از انتشار آن نوشته آقای ناصر شاهین پر بدون استناد به نوشته و یا مقاله ای از بیداری، در هفته نامه فردوسی، بیداری را یک نشریه غیر علمی و فحاش معرفی کرده بود. قصد بر این بود که در یکی از شماره های بیداری پاسخ مناسبی به ایشان داده شود. اما دکتر مهرآسای گرامی زحمت ما را کم کرد و پاسخی مستدل و عالمانه به آقای شاهین پر داد که در همان نشریه فردوسی به چاپ رسید و نیازی به پاسخ دیگر نیست. تنها باید به عرض آقای شاهین پر برسانیم اگر واژه ای را به صورت ناسزا در بیداری دیده اید واژه های قرآنی و اسلامی بوده است که از زبان امامان و پیامبر اسلام نقل گردیده و در روشنگری و آگاهی جامعه بسیار هم مؤثر بوده است.

هر نشریه، رادیو و تلویزیون بسته شود، ده ها جایگزین دارد. اگر «بیداری» بسته شود جایگزینش چیست؟  
اجازه ندهیم این نشریه ماندگار و مؤثر و کم هزینه از میان برود.  
نوشداروی پیش از مرگ و تعطیل شدن «بیداری» باشیم.

U.S. Postage Paid  
First Std  
Permit No. 2129  
San Diego, CA  
P.O.BOX 22777

U.S.A  
San Diego CA 92192  
P.O.BOX 22777  
BIDARI ۱۵۲۱۳